

شادی نفیسی

## علامه طباطبائی و حدیث

(روش‌شناسی نقد و فهم حدیث از دیدگاه علامه طباطبائی در المیزان)



تهران ۱۳۸۴

نقیسی، شادی، ۱۳۴۴ -

علامه طباطبایی و حدیث = روش‌شناسی نقد و فهم حدیث از دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان /  
نویسنده شادی نقیسی. - تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.  
بیست و دو، ۵۸۲ ص.

ISBN : 964-445-613-0

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۵۳۷ - ۵۵۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
نمایه.

۱. طباطبایی، محمد حسین، ۱۲۸۱-۱۳۶۰. المیزان فی تفسیر القرآن - نقد و تفسیر. ۲. تفاسیر شیعه -  
قرن ۱۴. ۳. حدیث - نقد و تفسیر. الف. طباطبایی، محمد حسین، ۱۲۸۱-۱۳۶۰. المیزان فی تفسیر القرآن.  
شرح. ب. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. ج. عنوان. د. عنوان: المیزان فی تفسیر القرآن. شرح ه. عنوان:  
روش‌شناسی نقد و فهم حدیث از دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان.

۲۹۷/۱۷۹

BP ۹۸ / ط ۲۵ م ۹۰۲۸

۸۴۵۰۲۲ م

کتابخانه ملی ایران

### علامه طباطبایی و حدیث

(روش‌شناسی نقد و فهم حدیث از دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان)

نویسنده: شادی نقیسی

چاپ نخست: بهار ۱۳۸۴؛ شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی: مهران؛ چاپ: سارنگ؛ صحافی: سپیدار

حق چاپ محفوظ است.



### شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

○ اداره مرکزی: خیابان افریقا، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، پلاک ۴، کد پستی ۱۵۱۸۷۲۴۳۱۳

صندوق پستی ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن: ۷۱ - ۸۷۷۴۵۶۹؛ فاکس: ۸۷۷۴۵۷۲

○ مرکز پخش: شرکت بازرگانی کتاب گستر، خیابان افریقا، بین بلوار ناهید و گلشهر، کوچه گلنام، پلاک ۱۱

کد پستی ۱۹۱۵۶۷۳۲۸۳؛ تلفن: ۲۲ - ۲۰۲۲۴۱۴۱؛ تلفکس: ۲۰۵۰۳۲۶

آدرس اینترنتی: [www.Ketabgostar.com](http://www.Ketabgostar.com)    [info@ketabgostar.com](mailto:info@ketabgostar.com)

○ فروشگاه یک: خیابان انقلاب - رویروی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۶۲۰۰۷۸۶

## فهرست مطالب

مقدمه	سیزده
فصل اول - معیارهای فهم و نقد حدیث در منابع اسلامی	۱
در عصر حضور	۱
در عصر پیامبر اکرم (ص)	۱
آداب نقل حدیث	۵
الف - نهی از بازگویی دروغ	۵
ب - پرهیز از مراجعه به سخنان تحریف شده اهل کتاب در تفسیر قرآن	۵
ج - دقت در نقل و اهتمام به بازگویی حدیث	۹
د - توجه به اختلاف درک شنوندگان: بازگویی به دیگران، احتیاط در داوری	۱۰
معیار سنجش	۱۱
الف - موافقت با حق	۱۱
ب - عرضه بر قرآن و سنت	۱۲
ج - همسویی با فطرت بشری و عرف دینداران	۱۴
در عصر ائمه (ع)	۱۶
از دیدگاه عالمان	۲۴
۱- معیارهای فهم حدیث	۲۴
الف - شناخت حدیث در پرتو قرآن	۲۵
ب - جمع آوری احادیث در یک موضوع	۲۷

- ج - توجه به موجبات ایراد حدیث ..... ۳۱
- د - هدف ثابت و وسیله متغیر ..... ۳۴
- و - توجه به حقیقت و مجاز در حدیث ..... ۳۷
- تمثیل ..... ۴۱
- ه - توجه به مدلولات الفاظ در عصر نزول ..... ۴۳
- معیارهای نقد حدیث ..... ۴۵
- الف - بررسی سند ..... ۴۵
- ب - نقد متن ..... ۴۷
- تعارض با قرآن ..... ۵۰
- تعارض با سنت ..... ۵۴
- تعارض با شخصیت معصوم ..... ۵۶
- تعارض با عقل ..... ۵۷
- رکاکت معنا ..... ۵۹
- تعارض با علم ..... ۶۰
- تعارض با واقعیت ..... ۶۱
- تعارض با تاریخ ..... ۶۴
- جانبداری از جریان‌های سیاسی، کلامی، فقهی ..... ۶۹
- فصل دوم - آشنایی با مؤلف المیزان، المیزان و «بحث روایی» ..... ۷۵
- آشنایی با مؤلف المیزان: مروری کوتاه بر زندگی خانوادگی ..... ۷۵
- تحصیلات و اساتید ..... ۷۶
- بازگشت به وطن ..... ۷۹
- هجرت به قم ..... ۸۰
- شاگردان ..... ۸۲
- تالیفات ..... ۸۳
- آشنایی با المیزان ..... ۸۵
- آشنایی با بحث روایی در المیزان ..... ۸۸

- گزیده‌گویی ..... ۹۰
- گزارش اسناد ..... ۹۲
- داوری درباره اسناد ..... ۹۴
- منابع حدیثی ..... ۹۵
- فصل سوم معیارهای فهم و نقد روایات تفسیری ..... ۱۰۱
- دیدگاه عالمان درباره جایگاه روایات تفسیری ..... ۱۰۱
- دیدگاه علامه طباطبایی درباره جایگاه روایات تفسیری ..... ۱۰۸
- رویکرد علامه به روایات تفسیری ..... ۱۱۷
- ۱- ارتباط روایات با آیات ..... ۱۱۹
- الف - مصداق آیه ..... ۱۲۰
- ب - تفسیر آیه به نتیجه آن ..... ۱۲۱
- ج - تفسیر به لازمه معنای آیه ..... ۱۲۱
- د - توسعه و تعمیم در معنای آیه ..... ۱۲۲
- و - اختلاف روایات در تفسیر یک آیه ..... ۱۲۴
- ۲- نقد روایات ..... ۱۲۸
- الف - نقد سند ..... ۱۲۸
- ب - نقد متن ..... ۱۳۰
- معیار ویژه: تعارض با قرآن / عدم انطباق با قرآن ..... ۱۳۰
- فصل چهارم - معیارهای فهم و نقد حدیث در روایات اسباب نزول ..... ۱۳۷
- ۱- دیدگاه عالمان درباره روایات اسباب نزول ..... ۱۳۷
- الف - راه دستیابی به اسباب نزول ..... ۱۴۰
- ب - تعبیر بازگوکننده اسباب نزول ..... ۱۴۴
- ۱- «سبب نزول هذه الآية كذا»: ..... ۱۴۴
- ۲- «حدث كذا فنزل الآية...»: ..... ۱۴۵
- ۳- «نزلت فی كذا»: ..... ۱۴۵

- ۴- «احسب هذه الآية نزلت في كذا»: ..... ۱۴۶
- ج - اهمیت شناخت اسباب نزول ..... ۱۴۸
- ۲- رویکرد علامه به روایات اسباب نزول ..... ۱۵۲
- الف - نقد روایات اسباب نزول ..... ۱۶۰
- ۱- معیار ویژه: ۱- عدم انطباق با قرآن: راه تشخیص روایات سبب نزول ..... ۱۶۲
- ۲- معیار ویژه: ۲- تعارض با زمان نزول آیه: خطا در اجتهاد، جعل، تکرر نزول؟ ..... ۱۶۸
- ب - اختلاف روایات: تعدد اسباب یا...؟ ..... ۱۷۱
- فصل پنجم - معیارهای فهم و نقد روایاتی که آیات را در حق ائمه (ع) تفسیر می‌کنند ..... ۱۷۷
- ۱- مصداق جری ..... ۱۷۸
- روایات جری ..... ۱۷۹
- دیدگاه عالمان درباره جری ..... ۱۸۵
- دیدگاه علامه درباره جری ..... ۱۸۸
- رویکرد علامه به جری ..... ۱۹۰
- ۱- دسته‌بندی روایاتی در حق ائمه (ع) که علامه جری می‌خواند ..... ۱۹۰
- الف - دسته اول: تعابیر عام ..... ۱۹۰
- ب - دسته دوم: عناوینی که به انسان اختصاص ندارد ..... ۱۹۴
- ج - دسته سوم: قضایای حقیقه ..... ۱۹۷
- د - دسته چهارم: داستان‌ها ..... ۱۹۹
- و - دسته پنجم: تقطیع از سیاق ..... ۲۰۱
- ه - دسته ششم: تشبیه‌ها ..... ۲۰۶
- ۲- دسته‌بندی روایاتی درباره غیر ائمه (ع) که علامه جری می‌خواند ..... ۲۱۲
- الف - دسته اول: تعابیر عام ..... ۲۱۲
- ب - دسته دوم: عنایتی که به انسان‌ها اختصاص ندارد ..... ۲۱۵
- ج - دسته سوم: قضایای حقیقی ..... ۲۱۵
- د - دسته چهارم: داستان‌ها ..... ۲۱۵
- و - دسته پنجم: تقطیع از سیاق ..... ۲۱۵

- ۵- دسته ششم: تشبیه‌ها ..... ۲۱۹
- جمع‌بندی رویکرد علامه به جری ..... ۲۱۹
- ۲- مصداق باطن ..... ۲۲۱
- دیدگاه عالمان درباره باطن ..... ۲۲۱
- الف - دیدگاه اول: تهذیب نفس، راه رسیدن به باطن ..... ۲۲۲
- ب - دیدگاه دوم: تفکر، راه رسیدن به باطن ..... ۲۲۷
- دیدگاه علامه درباره رابطه ظاهر و باطن ..... ۲۳۱
- دیدگاه علامه درباره دلیل اختلاف فهم و رسیدن به معانی عمیق تر ..... ۲۳۴
- رویکرد علامه به باطن ..... ۲۳۶
- دسته‌بندی روایاتی در حق ائمه (ع) که علامه آن‌ها را باطن می‌نامد ..... ۲۳۶
- الف - دسته اول: تعابیر عام ..... ۲۳۶
- ب - دسته دوم: عناوینی که به انسان‌ها اختصاص ندارد ..... ۲۳۹
- ج و د - دسته سوم و چهارم: قضایای حقیقیه داستان‌ها ..... ۲۴۲
- و - دسته پنجم: تقطیع از سیاق ..... ۲۴۲
- ۵- دسته ششم: تشبیه‌ها ..... ۲۴۴
- بررسی رویکرد علامه به باطن ..... ۲۴۶
- ۳- مصداق ولایت الهی ..... ۲۵۱
- ۴- مصداق تأویل ..... ۲۵۴
- ۵- انحصار در ائمه اهل بیت (ع) ..... ۲۵۶
- ۶- علامه و نقد روایاتی که آیات را در حق ائمه (ع) تفسیر می‌کند ..... ۲۷۰
- نقد متن ..... ۲۷۰
- عدم داوری ..... ۲۷۳
- نقد سند ..... ۲۷۶
- ۷- بررسی رویکرد علامه به روایاتی که آیات را در حق ائمه (ع) تفسیر می‌کند ..... ۲۷۷
- فصل ششم - معیارهای فهم و نقد حدیث در روایات اعتقادی ..... ۲۸۹
- دیدگاه عالمان درباره جایگاه روایات اعتقادی ..... ۲۹۰

- دیدگاه علامه در باره روایات اعتقادی ..... ۲۹۴
- رویکرد علامه به روایات در مباحث اعتقادی ..... ۳۰۱
- ۱- روایات اسم اعظم خداوند ..... ۳۰۳
- ۲- روایات رؤیت خداوند ..... ۳۰۵
- ۳- روایات تکلم خداوند ..... ۳۱۱
- ۴- روایات عرش ..... ۳۱۲
- ۵- روایات عالم ذر ..... ۳۲۰
- الف - دیدگاه عالمان درباره عالم ذر ..... ۳۲۰
- دیدگاه اول ..... ۳۲۱
- دیدگاه دوم ..... ۳۲۴
- دیدگاه سوم ..... ۳۲۵
- دیدگاه چهارم ..... ۳۲۶
- ب - دیدگاه علامه درباره عالم ذر ..... ۳۳۴
- ۶- روایات طینت ..... ۳۴۴
- الف - دسته اول: ..... ۳۵۳
- ب - دسته پنجم: ..... ۳۵۳
- ج - دسته دوم، سوم و چهارم ..... ۳۵۵
- د - بررسی دیدگاه علامه ..... ۳۶۴
- ۷- روایات معراج ..... ۳۶۵
- الف - دیدگاه عالمان درباره روایات معراج ..... ۳۶۵
- ب - دیدگاه علامه طباطبایی درباره روایات معراج ..... ۳۷۵
- ۸- روایات درباره ملائکه، شیطان و مثل آنها ..... ۳۸۵
- نقد روایات شیطان و ملائکه ..... ۳۹۲
- ۹- روایات دیگر موضوعات اعتقادی ..... ۳۹۵
- فصل هفتم - معیارهای فهم و نقد حدیث در روایات داستانی ..... ۴۰۱
- دیدگاه عالمان درباره روایات داستانی ..... ۴۰۲



- رویکرد علامه به روایات داستانی ..... ۴۱۳
- ۱- دسته اول: روایات قابل قبول ..... ۴۱۳
- ۲- دسته دوم: روایات مردود ..... ۴۱۸
- الف - معیار ویژه: تعارض با عصمت و شخصیت نبی (ع) ..... ۴۱۹
- ب - معیار ویژه: عدم انطباق با قرآن ..... ۴۳۴
- ۳- دسته سوم روایات: نه قبول و نه رد ..... ۴۳۷
- الف - رویکرد اول: محال نیست، اما دلیلی بر پذیرش نداریم ..... ۴۳۷
- نفوذ اسرائیلیات ..... ۴۳۸
- ب - رویکرد دوم: محال نیست پس دلیلی بر رد نداریم ..... ۴۴۹
- ج - بررسی دو رویکرد علامه ..... ۴۵۰
- ۴- معیارهای نقد معجزات در روایات ..... ۴۵۴
- الف - جایگاه عقل در نقد معجزات ..... ۴۵۵
- ب - جایگاه علم در نقد معجزات ..... ۴۵۸
- مورد اول: علم و معجزه مسخ ..... ۴۶۰
- مورد دوم: علم و معجزات کیهانی: رد الشمس و شق القمر ..... ۴۶۶
- ۵- تشویش متن: ویژگی روایات داستانی ..... ۴۶۸
- ۶- جایگاه تورات در بررسی روایات داستانی ..... ۴۷۲
- فصل هشتم - معیارهای مشترک نقد روایات ..... ۴۷۷
- ۱- معیار اول: تعارض با قرآن ..... ۴۷۸
- الف - دیدگاه عالمان درباره تعارض با قرآن ..... ۴۷۸
- ب - دیدگاه علامه درباره تعارض با قرآن ..... ۴۸۰
- مخالفت با قرآن ..... ۴۸۰
- تعارض با عصمت و شخصیت نبی ..... ۴۸۶
- عدم موافقت با قرآن / عدم انطباق با قرآن ..... ۴۹۲
- ۲- معیار دوم: تعارض با سنت ..... ۴۹۵
- الف - دیدگاه عالمان درباره تعارض با سنت ..... ۴۹۵

- ۴۹۷ ..... ب - دیدگاه علامه دربارهٔ تعارض با سنت
- ۴۹۸ ..... بررسی موردی مشخصهٔ روایت معیار
- ۴۹۹ ..... روایت معیار: تعدد طرق یا تعدد نقل
- ۵۰۰ ..... روایت معیار: تعدد نقل همراه با دلیلی دیگر
- ۵۰۲ ..... تعدد روایات در هر دو طرف: اختلاف، ریشه در دیدگاه مذهبی دارد
- ۵۰۴ ..... یک روایت، همراه با دلیل خارج از روایت
- ۵۰۵ ..... ۳- معیار سوم: تعارض با عقل
- ۵۰۵ ..... الف - دیدگاه عالمان دربارهٔ تعارض با عقل
- ۵۰۷ ..... ب - دیدگاه علامه دربارهٔ تعارض با عقل
- ۵۱۵ ..... ۴- معیار چهارم: تعارض با تاریخ
- ۵۱۵ ..... الف - دیدگاه عالمان دربارهٔ تعارض با تاریخ
- ۵۱۵ ..... ب - دیدگاه علامه طباطبایی دربارهٔ تعارض با تاریخ
- ۵۲۰ ..... ۵- معیار پنجم: تعارض با علم
- ۵۲۰ ..... الف - دیدگاه عالمان دربارهٔ تعارض با علم
- ۵۲۱ ..... ب - دیدگاه علامه دربارهٔ تعارض با علم
- ۵۲۲ ..... ۶- معیار ششم: تعارض با واقعیت
- ۵۲۲ ..... الف - دیدگاه عالمان دربارهٔ تعارض با واقعیت
- ۵۲۲ ..... ب - دیدگاه علامه دربارهٔ تعارض با واقعیت
- ۵۲۳ ..... ۷- تشریح متن / اختلاف متن: معیار نقد یا نه؟
- ۵۲۸ ..... ۸- جایگاه سند در نقد روایات
- ۵۳۱ ..... خاتمه
- ۵۳۷ ..... منابع
- ۵۳۷ ..... منابع عربی
- ۵۴۷ ..... منابع فارسی
- ۵۵۱ ..... مقالات
- ۵۵۳ ..... فهرست آیات
- ۵۷۳ ..... فهرست روایات
- ۵۸۱ ..... چکیده انگلیسی

## مقدمه

احادیث پیامبر اکرم (ص) و ائمه اهل بیت (ع) در کنار قرآن منبع شناخت اسلام و دستورات آن است. خداوند متعال خود تبیین و تفسیر کلامش را در قرآن به سنت واگذارده است:

«...و أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»<sup>۱</sup>

و رسول اکرم (ص) آن را قرین قرآن دانسته‌اند:

«انی تارک فیکم الثقلین کتاب اللّٰه و عترتی (اهل بیٹی)؛ فانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض»<sup>۲</sup>.

«دو چیز گران قدر را برای شما وا می‌گذارم، کتاب خدا و عترتم را؛ این دو هیچ‌گاه از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا آن‌که (در روز قیامت) در کنار حوض (کوثر) برهن وارد شوند.»

این میراث گران‌بها، با وجود عنایت الهی و سفارش‌های نبوی (ص)، از همان ابتدا سرنوشتی پرفراز و نشیب را پشت سر گذرانده، تا به دست ما رسیده است. این گنجینه ارزشمند برخلاف قرینش (قرآن) از دسترس تحریف و تغییر مصون نماند. وضع و تحریف، دو بلایی بوده‌اند که آن را آفت‌زده ساختند. وضع را باید تلاشی عمدی از سر جهل یا سوء نیت دانست که با انگیزه‌های مختلف از همان روزگار حیات پیامبر اکرم (ص) بروز کرد و آن حضرت (ص) را واداشت تا بر فراز منبر فریاد برآورد:

۱. «... و بر تو قرآن را نازل کردیم تا برای مردم آنچه را برایشان نازل شده روشن کنی» (نحل: ۴۴).

۲. محمد بن علی صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الثانية، ۱۳۹۵ هـ.ق، ص ۲۳۴، ح ۴۴؛ نیز - همان، ص ۲۳۴-۲۴۱، ح ۴۵-۴۶.

«من کذب علی متعمداً فلیتوبوا مقعداً من النار»<sup>۱</sup>

«هر آن کس که به عمد بر من دروغ بپندد، جایگاهش در آتش خواهد بود.»

این حرکت ویرانگر پس از درگذشت آخرین پیام‌آور الهی و با صدور حکم «منع کتابت و نشر حدیث» از سوی حکومت<sup>۲</sup> شدت یافت و با فرمان فضیلت‌سوز معاویه به اوج رسید<sup>۳</sup> و نزدیک به یک قرن بعد همچنان ادامه داشت تا در نهایت حدیث به قید کتابت درآمد. شیعه نیز با آن که به راهنمایی اهل بیت(ع) هرگز به حکم حکومت در «منع کتابت و نشر حدیث» تن ندرن داد، اما در همین دوره به دلیل سختگیری حکومت نسبت به شیعه، به عنوان جریان مخالف، توفیق چندانی در نشر و گسترش حدیث نداشت. در دوران طلایی صادقین(ع) با پیدایش دگرگونی‌های سیاسی و شعارهای طرفداری از اهل بیت(ع) از یک سو زمینه مناسبی برای علنی شدن حرکت شیعه و نشر و گسترش معارف آن پدید آمد، و از سوی دیگر نزدیکی به اهل بیت(ع) دستمایه رسیدن به قدرت و ریاست دینی و حکومتی قرار گرفت. امام صادق(ع) به خوبی به ترسیم این جو اجتماعی پرداخته، فرموده‌اند:

«... ان الناس أولعوا بالكذب علينا، إن الله افترض عليهم لا یرید منهم غیره، وانی احدث احدهم بالحدیث فلا یخرج من عندی حتی یتأوله علی غیر تأویله، وذلک أنهم لا یطلبون بحدیثنا وحبینا ما عندالله، و إنما یطلبون الدنیا...»<sup>۴</sup>

«... مردم به دروغ‌بستن به ما چنان حریصند که گویا خداوند این کار را بر ایشان واجب کرده و جز این از ایشان نخواست است؛ چنان که اگر من با یکی از ایشان سخنی گویم، هنوز از نزد من خارج نشده، آن را بر معنایی غیر آنچه اراده شده برمی‌گردانند و این از آن روست که ایشان با حدیث و دوستی ما آنچه را نزد خداست نمی‌جویند، بلکه در طلب دنیایند...»

پیدایش غلات در این دوره که بیش از همه به دلیل فرصت‌طلبی و دنیا دوستی بود و با سوءاستفاده از محبت مردم به اهل بیت(ع) صورت می‌گرفت<sup>۵</sup>، حرکتی بعضاً منسجم را در جهت دست بردن در این میراث و جعل و تحریف آن سامان داد و موجب شد تا در این گنجینه گران قدر، سره از ناسره باز شناخته نشود.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۱.

۲. محمد علی مهدوی راد، «منع تدوین حدیث»، مجله علوم حدیث، ش ۵، پاییز ۱۳۷۶، ص ۱۳-۱۶.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، حقه محمد ابوالفضل ابراهیم، الطبعة الثانية، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۸ هـ، ج ۱۱، ص ۴۳.

۴. محمد باقر المجلسی، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ، ج ۲، ص ۲۴۶، ح ۵۸.

۵. برای آگاهی از فرقه‌های مختلف غلات، دلایل و زمینه‌های پیدایش و پیامدها و نیز موضع اهل بیت در برابر ایشان ← نعمت‌الله صفری فروشان، غالیان، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۸ هـ.

در کنار وضع، که این‌سان دامان حدیث را بی‌آلود، تحریف نیز غبار بر چهره آن افکنند. نارسایی‌های نقل به معنا، قصور حافظه، کوتاهی اندیشه‌ها، خطاهای چشم، محدودیت خط، مشکلات استنساخ و... افزون بر آن‌ها در مورد شیعه، به‌ویژه سخت‌گیری‌های حکومت، عوامل مختلفی بودند که وقوع تحریف در احادیث را موجب شدند.

از آن‌جا که این کاستی‌ها به عصر حضور و حتی دوران نزول وحی و عصر پیامبر اکرم (ص) بازمی‌گردند، در کلام این بزرگواران رهنمودهایی در جهت شناخت حدیث صحیح از سقیم و درست از نادرست می‌توان یافت. حدیث پژوهان و متفکران نیز با بهره‌گیری از این رهنمودها در جهت پیراستن این میراث گران‌قدر کوشیده‌اند. این کوشش‌ها در حوزه روایات فقهی، در مدت ۱۴ قرن، تا حدودی بالیده و به پختگی و کمال رسیده است.

اما در حوزه روایات غیرفقهی به تلاش محققان و کوشش عالمان جهت فراهم آوردن مجموعه‌های معتبر و کاملاً قابل اعتماد بر مبنای موازین روشن نیاز است. درباره این هدف، عالمان اهل سنت مجموعه‌های متعددی فراهم آورده‌اند. از یک‌سو، در جهت تعیین معیارهای ارزیابی کتاب‌های مستقلی در روش‌شناسی نقد احادیث به‌ویژه در دوره معاصر تدوین شده است. مانند کیف تعامل مع السنة النبویه از یوسف قرضاوی، منهج نقدالمتن عند علماء الحدیث النبوی از صلاح‌الدین اولی، جهودالمحدثین فی نقد متن الحدیث النبوی الشریف از محمد طاهر جوایی نمونه‌هایی از این دست نوشتارهاست؛ و از سوی دیگر، مجموعه‌های مستقل حدیثی فراهم شده است که عالمان براساس اجتهاد و معیارهای خود روایت صحیح و ضعیف را گزینش کرده‌اند؛ بدان‌سان که شمار مجموعه‌هایی که اختصاصاً به گردآوری روایات موضوع یا ضعیف پرداخته است بالغ بر هفتاد مورد می‌شود<sup>۱</sup> همچنان‌که مجموعه‌هایی نیز به روایات صحیح اختصاص یافته است، مانند مشارق الانوار علی صحاح الآثار از قاضی عیاض، مصباح مشکاة الانوار من صحاح حدیث المختار از ابن ربیع و صحیح سنن النسائی از آلبانی. اما در حوزه حدیث شیعه کمتر با چنین نگارش‌هایی مواجه می‌شویم. اگرچه معدودی از عالمان در مقام شرح مجموعه‌های حدیثی، به دآوری درباره آن‌ها پرداخته‌اند، مانند علامه

۱. گردآورندگان موسوعه احادیث ضعیف، هفتاد و هشت مورد از این مجموعه‌ها را نام بردند که البته نام تمامی آن‌ها، لزوماً موضوعات نیست، بلکه به مجموع احادیث نااستوار - به دلایل مختلف - اختصاص دارد ← علی حسن علی الحلیمی، ابراهیم طه القیسسی، حمدی محمد المراد، موسوعه الاحادیث والآثار الضعیفه والموضوعه ریاض، مکتبه المعارف للنشر والتوزیع، ۱۴۱۹ هـ.

مجلسی در *مرآة العقول* در شرح روایات کافی، اما این حرکت تداوم نیافته است، همچنان که معمولاً معیارهای سنجش نیز مستقلاً بحث و ارائه نشده‌اند، بلکه باید آن‌ها را از لابه‌لای سطور و داوری‌ها باور شناخت. افزون بر این که عالمان با رعایت جانب احتیاط از فراهم آوردن مجموعه‌های مستقلی از روایات ضعیف یا موضوع یا صحیح و حسن پرهیز داشته‌اند که مبادا این چنین نگاهشده‌هایی موجب شود تا جوامع و مجموعه‌های اصلی متروک شده و به مرور زمان از دست برود، همان‌گونه که با پیدایش جوامع اولیه کتاب‌های حدیثی اصلی به تدریج مورد بی‌مهری قرار گرفت و در نتیجه تنها میراث پسینیان از گنجینه عظیم سنت صرفاً آن مواردی شد که مؤلفان این جوامع بر اساس معیارهای خود صحیح تلقی کرده بودند. به نظر می‌رسد توجه به این سرگذشت یکی از دلایل عدم تدوین چنین گزیده‌هایی است. در این میان کتاب *منتقى الجمان* صاحب معالم موردی منحصر به فرد است که در آن روایات صحیح و حسن کتب اربعه جمع‌آوری شده است. در دوره معاصر، کتاب *نقد الحدیث فی علم الدراية* و *الروایة* از حسینی حاج حسن از جمله محدود کتاب‌هایی است که منحصراً به بررسی معیارهای سنجش حدیث پرداخته است؛ اما با وجود شیعه بودن نویسنده آن، آنچه در کتاب ارائه داده مشخصاً دیدگاه شیعه و عالمان آن به این موضوع نمی‌باشد بلکه عموماً مطالب و حتی مثال‌ها، متأثر از کتاب‌های سنی است که در این باره نوشته شده‌اند. در مقام گزیده‌نویسی، آقای بهبودی مجموعه‌ای از روایات صحیح کتب اربعه را بر مبنای دیدگاه اجتهادی خود گردآورده است که باید حرکتی نو و اقدامی جدید تلقی شود. اما همو داوری خود را عمدتاً بر سند متمرکز ساخته است. به‌ویژه این که بیشتر روایات این مجموعه روایات فقهی است. همچنان که دیدگاه رجالی ایشان هم محل اختلاف است. در مقابل این صحیح‌گزینی، باید از الموضوعات هاشم معروف الحسنی نام برد که در نوع خود از اولین نگاهشده‌ها در این موضوع است و اهمیت این مجموعه از یک سو به دلیل اهتمام به روایات غیر فقهی و از جهت دیگر توجه به نقادی متن است و اگرچه صرفاً روایات شیعی را بررسی نمی‌کند اما به همان مواردی هم که می‌پردازد، اقدامی جسورانه و درخور توجه تلقی می‌شود. کتاب دیگر او *الحدیث والمحدثون* نیز نکات ارزنده‌ای در این باره دربردارد.

کتاب *الاخبار الدخیله* علامه شوشتري نیز اقدامی ارزشمند در همین راستاست. این کتاب که صرفاً روایات شیعی را در بر دارد، به بررسی روایات مصحف و موضوع می‌پردازد و در مورد دوم در عین توجه به سند، از نقادی متن نیز غافل نمی‌ماند.

در کنار این موارد، باید از اقدام محمد آصف محسنی در ارزیابی کل روایات بحارالانوار، در مشرعه بحارالانوار یاد کرد، که اگرچه فاقد توضیحات تفصیلی دربارهٔ داوری‌ها است؛ اما تلاشی ارزشمند در تعیین اعتبار روایات این مجموعه تلقی می‌شود.

در نهایت آن‌که در عالم اهل سنت به‌رغم وجود کتاب‌های متعدد در معیارهای نقد و تهیهٔ انواع گزیده‌ها، اما معیارهای نقد متن به‌روشنی تبیین نشده‌اند و مبانی نظری آن مستحکم نگردیده است و لذا شاهد اختلاف نظر بسیار گسترده در به‌کارگیری آن و تعیین مصداقبش هستیم.

در عالم شیعه، در هر دو محور تعیین معیارها و تهیهٔ گزیده‌ها، با کاستی‌های جدی مواجه هستیم و همان موارد معدودی هم که وجود دارد، بیشتر حجم آن به روایات فقهی اختصاص یافته و کمتر روایات غیر آن را دربرمی‌گیرد. در حالی که نیاز گستردهٔ بخش دیگر بیشتر است؛ چرا که عموم شیعیان خود مستقلاً برای استخراج احکام به کتاب‌های حدیثی مراجعه نکرده، از فقها و مراجع در این موارد تقلید می‌کنند، حال آن‌که در موضوعات دیگر به منبعی قابل اعتماد نیازمندند. علاوه بر آن‌که نقادی متن در کمتر کتابی از این نوع مورد توجه قرار گرفته است و به تبع فقه، توجه به سند بوده است و آنچه هم که در این مورد عنوان شده، به هیچ وجه کامل، سنجیده و همه‌جانبه نبوده است. در حالی که در عصر حاضر با جمله‌ای که از جهات مختلف به دین و به تبع آن به روایات دینی می‌شود، متوجه مضمون روایات و لوازم و پیامدهای آن‌هاست. لذا لازم است در مقام جوابگویی به این انتقادات و اشکال‌ها، گذشته از سند به متن آن‌ها توجه شود. چنین است که می‌بایست در قدم اول با بررسی کارهای فهم و نقد الحدیثی پیشینیان، معیارهای ایشان استخراج شود و نظراتشان تبیین گردد و آن‌گاه در بوتۀ نقد، حک و اصلاح شود و با نقد و بررسی محققان به کمال رسد. همچنان‌که ضرورت دارد تا با تبیین معیارهای روشن در جهت تهیهٔ گزیده‌های معتبر از مجموعه‌های ارزشمند حدیثی، در جهت ارتقای فرهنگ دینی کوشیده و البته در این راه هیچ‌گاه نباید از راه اعتدال خارج شد. بی‌شک هیچ تلاشی بی‌اشتباه نخواهد بود و هیچ کوششی کامل نمی‌باشد و هیچ اجتهادی با مبانی همه‌سازگار نخواهد بود، اما باید با در نظر گرفتن ضرورت تحقیق و پژوهش از این حوزه، همهٔ تلاش‌ها را ارج نهاد و در نمایاندن قوت‌ها و کاستی‌های آن، بر مبنای علمی کوشید.

در راستای تحقق همین آرزو است که این پژوهش شکل گرفته است. علامه طباطبایی از تفسیر گران‌قدر خود، *المیزان*، بخشی را به بحث از روایات اختصاص داده‌اند و افزون بر

گزارش روایات بعضاً به نقد و ارزیابی آن‌ها پرداخته‌اند. این مجموعه از روایات و داوری‌ها، به لحاظ فقه‌الحدیثی از اهمیتی ویژه برخوردار است.

از یکسو این بخش از المیزان نه تنها روایات مربوط به آیات قرآنی را از ابتدا تا انتها در برمی‌گیرد، بلکه به تناسب آیات هم ناظر به موضوعات مختلفی از اسباب نزول، عقاید، داستان و تفسیر و... است و لذا، گستره‌ای فراخ و موضوعاتی متنوع را در برمی‌گیرد. از سوی دیگر، علامه در داوری‌های خود درباره‌ی روایات، به‌عنوان یک متکلم هم‌عصر، به پیامدها و ملازمات روایات توجه دارد؛ همچنان‌که بر اساس مبانی خاص خود، سند روایات را ملاک ارزیابی قرار نداده، بیش از همه به متن آن‌ها توجه می‌کند. افزون بر آن‌که به‌عنوان یک عارف و فیلسوف از عمق فلسفی پاره‌ای از روایات و رازگشایی‌های عرفانی آن‌ها غافل نمی‌ماند، و به‌عنوان یک اصولی، قاعده‌مند و مبنایی به تحلیل و نقادی روایات می‌پردازد.

چنین است که دیدگاه‌های علامه درباره‌ی روایات در المیزان تلاشی نو و مجموعه‌ای ارزشمند در بررسی و نقادی میراث ارزشمند حدیثی شیعه و بعضاً اهل سنت - در غیر حوزه فقه - تلقی می‌شود.

این تحقیق کوشیده است تا با استخراج داوری‌های علامه و سامان‌دهی به نظریات ایشان در نقد و فهم حدیث تداوم حرکتی باشد که این متفکران اندیشه‌ور در جهت پیراستن گنجینه‌ی گران‌قدر حدیث در دوره‌ی معاصر آغاز کرده‌اند. باشد تا یافته‌های ایشان، راهنمایی فراروی دیگران باشد.

البته پیش از این محققان متعددی زوایای مختلف این کتاب را بررسی کرده‌اند و عده‌ای به بررسی کل این تفسیر پرداخته‌اند. به مانند: الطباطبایی و منهجه فی تفسیر المیزان از علی‌الآوسی که به فارسی هم ترجمه شده؛ تفسیر القرآن بالقرآن عند العلامة الطباطبایی از جعفر خضیر؛ تفسیر الطباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، دراسة المنهجیه و نقدیه از یوسف الفقیر؛ نگاهی نو به تفسیر المیزان از سید شهاب‌الدین حسینی. علاوه بر این موارد، پاره‌ای دیگر از محققان، موضوعات خاصی را در المیزان پی گرفته‌اند، مانند: توحید در المیزان، معاد در المیزان، خلقت و خلافت در المیزان، شرح معضلات قرآنی در المیزان همه از شمس‌الدین ربیعی و معارف قرآن در المیزان از محمد مهدی امین. با این همه در هیچ یک از این مجموعه‌ها، رویکرد روایی علامه مد نظر نبوده است. همچنان‌که در هیچ مورد، روایات با تفکیک موضوعی در المیزان بررسی نشده‌اند. لذا این تحقیق اولین پژوهش از این دست می‌باشد.



برای انجام این تحقیق، کل بحث روایی *المیزان* و همچنین اجمالاً بخش تفسیری آن مطالعه شد و مواردی که متضمن نکات فقه‌الحدیثی بود، جمع‌آوری گردید. در طول فیش‌برداری روشن شد که رویکرد علامه به روایات غیر فقهی، اگرچه وجوه مشترکی دارد، اما به هیچ‌وجه یک‌دست نیست و در هر حوزه‌ای از روایات، مبنایی خاص وجود دارد و پاره‌ای از معیارهای نقد متن از اهمیت و کارایی بیشتری برخوردارند؛ و نیز با آن‌که عموماً علامه سند را به عنوان ملاک مستقل برای داوری نپذیرفته‌اند، اما اهتمام به آن در همه حوزه‌ها یکسان نمی‌باشد. به همین منظور روایات در این کتاب در پنج دسته تنظیم شده‌اند، که البته تمام موضوعات را شامل نمی‌شوند و پاره‌ای از موضوعات به لحاظ گسترده شدن حجم کار، به مجال دیگری واگذار شده‌اند. این کتاب مشتمل بر هشت فصل می‌باشد.

در فصل اول - در دو بخش - ابتدا روایات فقه‌الحدیثی از پیامبر اکرم (ص) به تفضیل و ائمه (ع) به اجمال گزارش گردیده و در مرحله بعد معیارهایی را که اندیشه‌وران در علوم حدیث عنوان کرده‌اند، پس از ارزیابی و گزینش، عنوان شده است و در کنار مثال‌هایی که برای هر یک ارائه شده بود که عموماً از منابع اهل سنت بود، تلاش شده، حتماً نمونه‌هایی از جوامع شیعی هم ارائه گردد. این بخش در عین آن‌که دستاورد عالمان را در این حوزه منعکس می‌کند، جایگاه و عمق نظرات علامه را نیز می‌نماید.

در فصل دوم، زندگی‌نامه علامه طباطبایی به اختصار گفته شده و *المیزان* و بحث‌روایی آن به اجمال معرفی شده‌اند.

در فصول سوم، چهارم، پنجم، ششم و هفتم، روایات در پنج موضوع جداگانه بررسی شده‌اند. در همه فصول ابتدا بحثی نظری درباره این دسته روایات در دو مرحله، دیدگاه عالمان و دیدگاه علامه ارائه می‌شود. و آن‌گاه عملاً شیوه برخورد علامه در *المیزان* با در نظر گرفتن نمونه‌ها، بررسی می‌شود. در مقام ارائه دیدگاه عالمان، به هیچ‌رو، جمع‌آوری تمام نظرات مدنظر نبوده است، بلکه به منظور روشن شدن و فهم بهتر دیدگاه علامه در این بحث، آرای تعدادی از عالمان آورده شده است. فصل سوم به روایات تفسیری اختصاص دارد. عنوان روایات تفسیری در دو معنای عام و خاص می‌تواند به کار رود. در معنای عام دربرگیرنده تمام روایاتی است که ناظر به آیات قرآنی می‌باشند و لذا تمام روایات این کتاب را دربرمی‌گیرد. اما همین عنوان به معنای خاص آن تنها به روایاتی اختصاص دارد که برخلاف موضوع آیه، به تبیین مفردات و ارتباط اجزای آن با یکدیگر می‌پردازند. در این فصل، این دسته از روایات

مورد بحث قرار گرفته‌اند. در مقام بحث نظری، دیدگاه عالمان و علامه درباره جایگاه روایات در تفسیر مسئله استقلال قرآن در دلالت یا عدم آن و سپس رویکرد عملی علامه بررسی شده است.

فصل چهارم، به روایات اسباب نزول اختصاص دارد. ابتدا دیدگاه عالمان و علامه درباره این دسته از روایات به ویژه چگونگی تمیز آن‌ها از دیگر روایات و سپس، رویکرد عملی ایشان به روایات مطرح شده است.

فصل پنجم، به روایاتی اختصاص دارد که به گونه‌ای آیات را در حق ائمه (ع) تفسیر می‌کنند. علامه این روایات را به پنج سطح تحلیل می‌کند: عموماً آن‌ها را جری می‌خوانند، برخی را باطن قرآن معرفی می‌کنند، تعدادی را ناظر به مقام ولایت الهی می‌دانند، معدودی را تأویل آیه عنوان می‌کنند و تنها پاره‌ای را منحصر در ائمه (ع) می‌دانند؛ در این فصل هر پنج تحلیل علامه از این روایات ارائه شده است، اما دو مورد اول آن، جری و باطن، به تفصیل بررسی شده است. عنوان جری، اگرچه در روایات به کار رفته و مفسران پیشین بدان اشاره کرده‌اند اما در المیزان، به طور بسیار گسترده مورد استفاده قرار گرفته است که در واقع باید این کاربرد را از ابداعات خودشان تلقی کرد. با این همه ایشان معنای آن را به روشنی تبیین نمی‌کنند تا بتوان مراد ایشان را از آن کاملاً دریافت. اما در بحث از جری، ابتدا روایات آن را گزارش کرده‌ایم و سپس اقوال عالمان و علامه را آورده‌ایم و بعد از آن به بررسی موردی کاربرد آن پرداخته شده است. و پس از استقصای کامل، با توجه به ارتباط آن با آیه، نمونه‌ها در شش دسته طبقه‌بندی شده‌اند.

از آن‌جا که علامه عنوان جری را تنها در تحلیل روایات مربوط به ائمه (ع) به کار نمی‌برند، نمونه‌های خارج از این موضوع نیز با لحاظ همان شش دسته‌بندی مطالعه شدند تا در نهایت بتوان دریافت که جری بودن روایات به چه معنا می‌تواند باشد.

در بحث از باطن نیز ابتدا اقوال عالمان و سپس دیدگاه علامه ارائه شد، آنگاه نمونه با لحاظ کردن همان شش دسته مطرح شده در جری بررسی شدند تا فرق این دو نوع تحلیل روشن شود. ما بقی فصل به بحث از سه مورد دیگر اختصاص دارد و در نهایت با جمع‌بندی رویکرد علامه به این روایات و ارزیابی آن به پایان می‌رسد.

در فصل ششم، روایات اعتقادی به بحث گذاشته شده‌اند. در ابتدا دیدگاه عالمان و سپس دیدگاه علامه درباره حجیت خبر واحد در موضوعات اعتقادی عنوان شده است و سپس عملاً تحلیل ایشان از هشت روایات اعتقادی؛ روایات اسم اعظم خداوند، رؤیت خداوند، تکلم

خداوند، عرش، عالم ذر، طینت، معراج و تمثیل ملایکه و شیطان بررسی شده است. در این دسته‌های هشتگانه از روایات به‌ویژه به چگونگی تعامل علامه با روایات محکم و متشابه توجه شده است. همچنان‌که موضوعاتی مانند عالم ذر، طینت و معراج بتفضیل بیشتری بررسی شده‌اند و دیدگاه عالمان هم در این موضوعات مستقلاً عنوان شده است.

فصل هفتم، به روایات داستانی اختصاص دارد. در ابتدا دیدگاه عالمان و سپس دیدگاه علامه در این باره بیان شده است. در این حوزه، رویکرد علامه به روایاتی که نه دلیلی بر رد و نه بر قبول آن‌ها وجود دارد، رویکردی دوگانه است که کوشش شده تا با بررسی نمونه‌ها علت این دوگانگی روشن شود. همچنان‌که به علت وجود اسرائیلیات، سند اهمیتی ویژه در این حوزه دارد. با توجه به بحث معجزات به عنوان یکی از ارکان مهم داستان‌های پیامبران، میزان کارایی عقل و علم در این باره به تفصیل بررسی شده است. علاوه بر این، میزان بهره‌گیری علامه از تورات در ارزیابی روایات داستانی پی گرفته شده است.

آخرین فصل این کتاب به معیارهای مشترک نقد، اختصاص دارد. در همه حوزه‌های پنجگانه پیشین، نقد سند و متن مطرح است و در نقد متن، شش امر ملاک ارزیابی علامه می‌باشد. در هر فصل، جایگاه سند مستقلاً بحث شده و در فصل آخر با مروری بر فصول پیشین جمع‌بندی‌ای کلی ارائه شده است. در نقادی متن اگرچه علامه کلاً از شش ملاک بهره می‌گیرند اما اهمیت تمام این ملاک‌ها در همه حوزه‌ها یکسان نیست. ارائه معیارهای نقد متن در هر فصل به تکرار کسالت‌بار می‌انجامد و نیاموردن آن موجب می‌شود تا ویژگی‌های هر حوزه مورد غفلت قرار گیرد. لذا در هر فصل، تنها معیار یا معیارهای ویژه آن را که کاربردی گسترده در نقادی روایات آن داشته‌اند، گزارش کردیم و مابقی معیارها را در فصل آخر یکجا آوردیم. در عین حالی که در فصل آخر، ذیل هر معیار، مواردی که در ضمن فصول پیشین نقل شده بود، مجدداً به تفصیل گزارش نشد و به همان فصل‌ها ارجاع گردید.

این کتاب با بخش خاتمه که خلاصه‌ای اجمالی از تمام فصول است به پایان می‌رسد. در سرتاسر این تحقیق، آیات و روایات متعددی گزارش شده است که طرح آن در برخی موارد صرفاً به منظور تسهیل در بازیابی توضیحات و روایات ذیل آن است. در بیان آیات در صورتی که مضمون آیه در متن آمده باشد تنها به ارائه متن آیه در آدرس آن اکتفا شده، در غیر این صورت ترجمه آن گزارش شده است. در ترجمه آیات، ترجمه آقای مهدی فولادوند مبنا قرار گرفته است و در مواردی که در ترجمه کاستی‌ای دیده شد، به ترجمه آقای خرّمشاهی و

پس از آن به ترجمه آقای مجتبی و آقای مفری مراجعه شده است.

در مقام منبع یابی روایات، به هیچ وجه استقصا صورت نگرفته است. روایات فصل اول، به منابع متعدد شیعه و سنی آن ارجاع داده شده تا دامنه بازتاب احادیث تا حدودی روشن شود. در فصول بعدی تنها در صورتی که متن روایت در کتاب گزارش شود، منبع آن معرفی شده است. در این موارد علامه معمولاً روایت را از منابع متعددی نقل می‌کنند که تنها به یک مورد آن اکتفا شده است، چرا که مستندسازی کامل این روایات خود تحقیقی مستقل می‌طلبد و از مجال این تحقیق خارج بود. در این پژوهش از عالمان و محققان گران قدر و بلندمرتبه‌ای نام برده شده که به لحاظ اختصار از کاربرد القابشان پرهیز شده که به هیچ رواجشان و مقام ایشان نمی‌کاهد.

در نهایت لازم است از تمام بزرگواران و اساتیدی که در طول این تحقیق مرا با راهنمایی‌هایشان یاری کردند، کمال تشکر را بنمایم؛ به‌ویژه از استاد محترم جناب حجة الاسلام محمد علی مهدوی‌راد که این تحقیق تحت نظارت و با راهنمایی ایشان انجام شد و با وجود اشتغالات فراوان علمی و محدودیت شدید وقت، همواره با گشاده‌دستی و گشاده‌رویی، وقت خود را به بررسی و گفت‌وگو درباره آن اختصاص داده، حل معضلات آن را ممکن ساختند و با فراهم آوردن منابع مورد نیاز، انجام آن را تسهیل نمودند و بارها در نهایت حوصله و دقت این نوشتار طولانی را مطالعه کردند. همچنین از استاد محترم جناب حجة الاسلام احمد عابدی که با مطالعه بخش‌هایی از این تحقیق، از تذکرات سودمندشان بهره‌مند شدم، نهایت تشکر را می‌نمایم. همچنان‌که خود را از قدردانی و بزرگداشت و تشویق و همراهی بی‌دریغ مادر و پدر عزیز، همسر گران قدر و دو فرزندم - صادق و علیرضا - ناتوان می‌یابم.

و ما توفیقی الا بالله العلی العظیم

شادی (زهره) نفیسی

تیر - ۱۳۸۲